

فهم مبانی نظری و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری

محمد رحیم عیوضی^۱ سید سامر پوردانش^۲

چکیده

یکی از موضوعات بنیادین فلسفه و تفکر سیاسی، طراحی و تبیین اهمیت، ماهیت و جایگاه جامعه و سامانه زندگی شهروندی است به نحوی که هیچ فلسفه سیاسی نمی‌تواند بدان بی‌توجه باشد. در حوزه تفکر اسلامی نیز اندیشمندان و عالمان دینی همانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، ابن خلدون و ... همواره در پی طراحی الگوی جامعی از جامعه اسلامی بوده‌اند. مقام معظم رهبری نیز به عنوان رهبر و اندیشمند بزرگ جامعه ایران اسلامی، همواره دغدغه تعالی جامعه و نظام سیاسی را در طول حیات انقلاب اسلامی داشته‌اند. در واقع، جامعه متعالی و مطلوب مورد نظر رهبری، الگویی مطلوب از جامعه اسلامی در عصر غیبت است که به نوبه خود مقدمه تشکیل جامعه اسلام مهدوی محسوب می‌شود. با این توصیف، نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که مبانی و ابعاد جامعه اسلامی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ یافته‌های پژوهش که بر پایه روش تبیین علی و روش گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی به دست آمده نشان می‌دهد که شاخصه‌های جامعه اسلامی مطلوب از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: عدالت‌محوری، اخلاق‌مداری، برخورداری از اقتصاد پویا، پرهیز از سطحی‌نگری، پای‌بندی به اخلاق عمومی و رفتار اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، ضد سلطه و استکبار، حرکت در مسیر انقلاب، هویت و استقلال ملی، مسئولیت‌پذیری، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی.

واژگان کلیدی: جامعه اسلامی، مقام معظم رهبری، عدالت گستری، ارزش‌مداری، هویت‌یابی، اقتصاد پویا

(۱) مقدمه (طرح مسأله)

فهم چپستی، سرشت و غایت جامعه در اندیشه سیاسی - اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای جهت شناخت نظام سیاسی و دولت برآمده از چنین بستری و همچنین نحوه تعامل این دو از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار است، این مهم البته میسر نیست مگر با رجوع به آثار و آراء ایشان. با بررسی مبانی فکری معظم له به آسانی می‌توان پی برد که غایت اندیشه سیاسی رهبر انقلاب اسلامی، ناظر به فرایند تحقق تمدن اسلامی است که در این میان جامعه اسلامی به عنوان یکی از سطوح یا مراحل نیل به این هدف، نقش حیاتی و غیر قابل انکاری را ایفا می‌کند. به اعتقاد معظم له؛ «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل جامعه اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و جامعه اسلامی قرار داریم» (بیانات، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). به طور کلی، در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری به نحوی جامعه و کامل به مقوله جامعه توجه شده است. آیت‌الله خامنه‌ای جامعه سازی را یکی از بزرگترین هدف‌های اسلام می‌داند و

^۱ استاد، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران :

ra.eivazi@yahoo.com:

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران،

ایران samerpoordanesh1993@gmail.com:

رشد و انحطاط فردی و اجتماعی را به شرایط جامعه مرتبط ساخته‌اند. ایشان معتقدند یکی از رسالت‌های عمومی انبیا ساختن جامعه توحیدی بوده است. بنابراین در اندیشه سیاسی ایشان جامعه سازی بر پایه خمیر مایه دینی ابتدا توسط انبیای الهی شکل گرفته است. آرمان اجتماعی بشریت اولین بار در آموزه‌های انبیا(ع) تحقق یافته است. ایشان با اشاره به نقش انبیا در جامعه‌سازی می‌فرمایند: «انبیا این را می‌خواهند به وجود بیاورند. جامعه الهی، جامعه با دل انسانی، جامعه با احساسات و عواطف صحیح و سالم، جامعه که در آن کسی به کسی و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند... جامعه‌ای که مردم آن جامعه دچار غفلت نباشند، غرق در مادیت نباشند، غرق در خودخواهی و خودپرستی نباشند. کار برای خدا، کار برای رسیدن به آستان لقای ربوبیت. این انسان کامل است. این جامعه کامل است. خب، انبیا می‌آیند تا این جور جامعه را به وجود بیاورند آن وقت اگر جامعه که انسان‌هایش و مردمش درست فکر می‌کنند، درست عمل می‌کنند، دارای رحم و مروتند، دارای احساس مسؤولیت در پیش خدای بزرگند، دارای احساس معنویتند، غرق در ماده نیستند، همه چیز را برای خود نمی‌خواهند» (بیانات، ۱۳۷۱/۰۱/۱۵).

با این توصیف هدف پژوهش پیش رو واکاوی و فهم چیستی، سرشت و غایت جامعه اسلامی آرمانی در منظومه فکری مقام معظم رهبری است. بر این پایه پس از بررسی ادبیات پژوهش، ابتدا بنیان نظری و روش پژوهش توضیح داده خواهد شد و آنگاه ریشه‌های نظری، ابعاد و مولفه‌های جامعه اسلامی آرمانی در اندیشه معظم‌له بررسی و ایضاح خواهد گردید.

۲) ادبیات پژوهش

گذشته از سخنرانی‌ها و بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری در خصوص موضوعاتی مانند جامعه، دولت و نظام سیاسی، در زمینه دیدگاهها و رویکردهای نظری ایشان در این حوزه، آثار علمی - آکادمیکی زیادی نمی‌توان یافت. در زیر به برخی از مهمترین این آثار که تا حدودی به پژوهش حاضر ارتباط دارد اشاره می‌گردد:

نادری و محمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» که با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و ابزار فیش‌برداری صورت گرفته، درصدد پاسخ به این سوال اصلی هستند که «ماهیت و ارکان دولت اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟». یافته‌های تحقیق بر این نکته تاکید دارد که دولت اسلامی متشکل از مجموعه نهادها و کارگزاران و نه صرفاً قوه مجریه است و سازه فکری در روند تحقق دولت اسلامی، شریعت مقدس اسلام است و در نهایت مر دم، کارگزاران و نهادها از ارکان اصلی دولت اسلامی هستند که بدون همراهی آنها عملاً امکان تحقق دولت اسلامی وجود ندارد.

قاسمی و بهزادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه رهبری و اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مردم سالاری دینی» این ایده را مطرح می‌کند که؛ در تفکر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مردم سالاری دینی مانند حاکمیت الهی، آرمان‌گرایی، شایستگی دارد که با آن اصول ساخته می‌شود. به اعتقاد نویسندگان، اندیشه سیاسی رهبری در خصوص مردم سالاری دینی، حاکمیت را از آن خداوند دانسته و مردم را تصمیم‌گیران سرنوشت اداره کشور می‌داند و دخالت مردم در امر حکومت را نشأت گرفته از حق الهی آنها به شمار می‌آورد. این مقاله همچنین بر این نکته تاکید دارد که میان مردم سالاری دینی با دموکراسی و مردم سالاری موجود در غرب از دیدگاه رهبر انقلاب تفاوت وجود دارد، چنان که رهبر انقلاب معتقدند که مردم سالاری دینی نباید با لیبرال دموکراسی اشتباه گرفته شود.

لک زایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» نشان می‌دهد که این موضوع در قالب مطلبی معرفتی و نه یک مسأله فلسفی مورد توجه است. وی می‌نویسد که از منظر آیت‌الله نگاه اسلام به فرد انسان و مجموع انسان یک نگاه مکمل و منسجم است و تفاوت صرفاً در زاویه نگاه نهفته است. در این نظریه رابطه فرد انسان و جامعه با ادبیاتی نو و ابداعی و از منظر اسلام مطرح شده است.

شفیعی و نیک بین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» بیان می‌کند دین می‌تواند برای تمام عرصه‌های اجتماعی، در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها راهکارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی یک جامعه سکولار متفاوت بوده و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی باید به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید سه عنصر مهم دین یعنی

اعتقادات، اخلاق و احکام مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، دین می‌تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که براساس دین پی‌ریزی شده است، باید در چارچوب همین سه مؤلفه مورد ارزیابی قرار گیرد.

تقوی و حاجی موسوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «**تبیین مؤلفه های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری**» بیان می‌کنند در تاریخ تحولات اجتماعی ایران، رویداد انقلاب اسلامی یکی از عناصر اصلی هویت‌بخش جامعه ایرانی به شمار می‌رود که بی تردید، نقش تاریخی آن در همگرایی و همبستگی میان حاکمیت سیاسی و توده مردم انکارناپذیر است. از این رهگذر پیوند میان جامعه پویای ایرانی و مکتب انسان ساز اسلام زمینه ظهور دستاورد شگرف تحت نام تمدن اسلامی را فراهم ساخت. امروزه نیز این مسئله در قالبی نو تحت عنوان اسلامی - ایرانی پیشرفت با رهبری داهیهانه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) گام‌های آغازین خویش را آغاز نموده است. الگویی نوین که نشان‌دهنده مسیر هدایت جامعه و حکومت اسلامی در راه تحقق اهداف کمال انسانی است.

خطیبی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «**ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری**» بیان می‌کند اندیشه های ایشان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در بینش توحیدی ذوب شده است و می‌تواند برای عصر ره‌اشده از خودیت و خودباوری حاضر الگو باشد. مهمترین مشکل عصر حاضر برای جوان، مشکل بی‌هویتی است. ابعاد هویت شامل فردی، اجتماعی، ملی، جهانی و دینی است. مهمترین مؤلفه هویت اسلامی از بعد شناختی، بینش توحیدی و از بعد عاطفی، خودباوری و اعتماد به نفس و از بعد رفتاری، آزادی مبتنی بر اخلاق و عاری از «دروغویی و شایعه پراکنی» و تلاش برای داشتن هویت دینی است که اعم از هویت ملی و سایر هویت‌هاست. از مهمترین تهدیدات هویت اسلامی یاس و تیره کردن افق با به رخ کشیدن فاصله‌های علمی، اشکال تراشی غیرمنطقی، هوچی‌گری مطبوعاتی (ناتوی فرهنگی) است. ابزار حفظ هویت فرهنگی و ملی، رسیدگی به اقتصاد و دستیابی به علم و شاگردی کردن اما شاگرد نماندن است. در افق چشم انداز، نه با توقف در گذشته و سرکوب و نه با شالوده شکنی عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید، راه علاج ما خود باوری نسل جوان و اتکا به دین صحیح و عمل به آن و باور به این که آینده کشور در دست جوانهاست و ابزار آن، تلاش برای سلامت جسمانی، فکری، روحی و ایمانی آنها، منتقد بودن و آزادی فکر و کرسی‌های آزاد اندیشی است.

۳) بنیان نظری و روش پژوهش

از شیوه‌های شناخت اندیشه یا مواضع سیاسی و رفتاری هر متفکر در حوزه سیاسی و اجتماعی، مشخص شدن مبانی فکری و اندیشه‌ای اوست. در مجموع، اندیشه یا رفتار رجال سیاسی مذهبی در چهارچوب منطق و عقلانیت ویژه‌ای شکل می‌گیرد که می‌تواند خاستگاه های معرفتی گوناگون داشته باشد (نعیمیان، ۱۳۸۹: ۳۵۳-۳۵۱). آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین برای درک اندیشه سیاسی-اجتماعی او و به طور مشخص تر شناخت دیدگاه وی درباره جامعه اسلامی و ابعاد و مولفه‌های آن، لازم است شالوده های فکری و فلسفی ایشان به اجمال بررسی شود. از سوی دیگر موضوع هر پژوهشی، همواره تعیین کننده روش آن پژوهش است. بر این پایه، در بحث از آراء و اندیشه‌های یک متفکر در موضوعی خاص، بیش از همه اسناد و متون برجای مانده از او استفاده می‌شود. این روش برای بررسی دیدگاه‌ها و جمع آوری و نقد آراء متفکران نقد و بررسی و بازنمایی رویکرد نظری آن مناسب است.

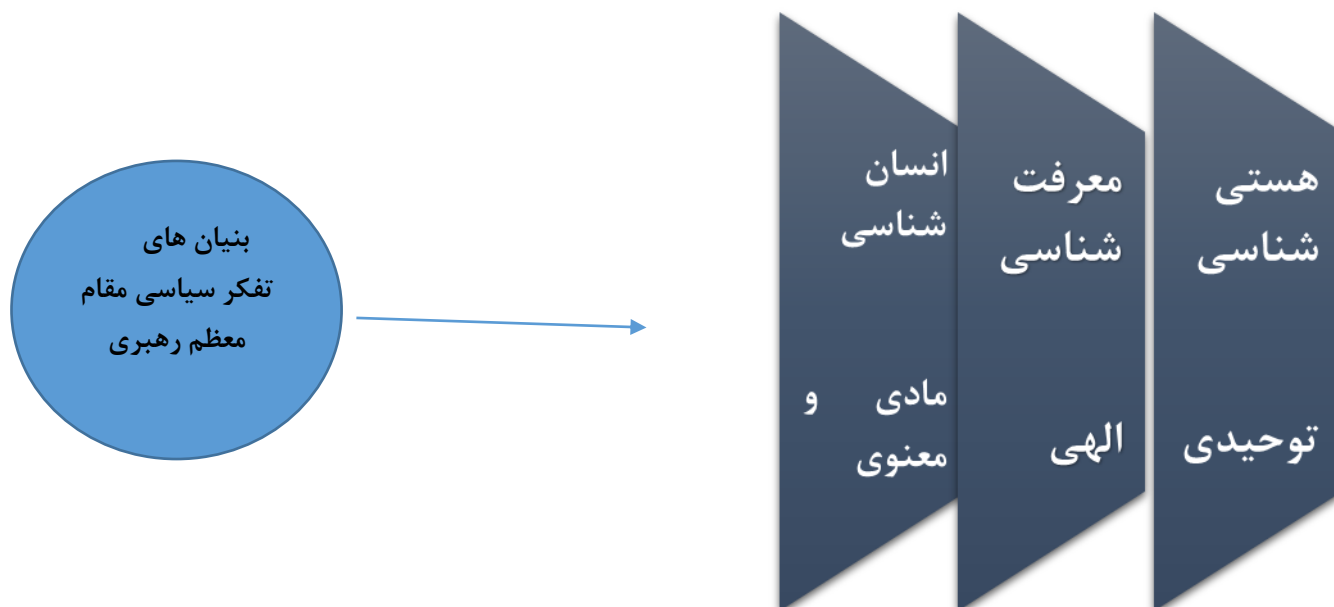
هستی شناسی: هستی‌شناسی از لحاظ لغوی عبارت است علم یا فلسفه هستی (های، ۱۳۸۵: ۱۰۶). آنتولوژی یا هستی‌شناسی در اصطلاح فلسفه نظریه عام است درباره این که چه چیزها و یا چه جوهرهایی در جهان وجود دارند (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۲). این دانش درصدد ارائه و آزمون ادعاهایی درباره این که پدیده‌های اجتماعی و سیاسی چیستند، از چه اجزایی تشکیل شده‌اند و این اجزا چه ارتباطی با یکدیگر دارند است (Blaikie, 1993:6). به تعبیر دیگر هستی‌شناسی معطوف به بررسی فرض‌هایی خاص درباره جامعه و سیاست است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۱). هستی‌شناسی چیزی جز نگاه پژوهشگر به عالم نیست، به عبارت دیگر تمام فرض های کلی شخص پژوهشگر درباره هستی و جهان در نگاه هستی شناسی وی تجلی می یابد، یعنی هستی‌شناسی نگرش پژوهشگر

درباره آنچه جهان را می‌سازد و چگونگی مطالعه آن است (Barbour, 2007: 20). به تعبیری بهتر هستی‌شناسی بازتاب نگرش پژوهشگر درباره کنه وجود و سرشت جهان است (مارش و فولانگ، ۱۳۸۷: ۳۳). هستی‌شناسی به‌طور کلی درباره قواعد، احکام و اصولی درباره هستی و انواع آن به بررسی و کشف می‌پردازد. تحلیل‌های هستی‌شناسی تحلیل‌هایی فراگیر و عام‌اند درباره آنچه وجود دارد. هستی‌شناسی به اتکای امکانات ویژه‌اش، اعم از مفاهیم و روش‌ها، گونه‌های وجودی را تعریف کرده است به بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های این‌گونه‌ها می‌پردازد. مثال هستی‌شناسی می‌پرسد، داشته‌های درونی ما همچون باورها، احساس‌ها و دانسته‌ها در کدام موطن و چگونه وجود دارند؟ اگر چنین چیزی یافت می‌شود، در کدام مقوله باید طبقه‌بندی شود؟ (شمس، ۱۳۸۷: ۹).

معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی یا اپیستمولوژی دانشی است درباره اینکه چه چیز را و چگونه می‌توان شناخت (walliman, 2006: 14). به عبارت بهتر معرفت‌شناسی مطالعه چیهستی شناخت و ماهیت توجیه است (schwandt, 2001: 14). در مرحله هستی‌شناسی پژوهشگر در می‌یابد که چه چیزها و جوهرهایی در جهان وجود دارد و این جوهرها از چه چیزی تشکیل شده است، اما در معرفت‌شناسی پژوهشگر دیگر کاری به این ندارد که چه چیزها و جوهرهایی در جهان وجود دارد، بلکه به این می‌پردازد که این چگونه می‌توانیم درباره هستی‌هایی که وجود آنها را قبول کرده‌ایم شناخت به دست آوریم. به‌طور کلی معرفت‌شناسی به مفروضاتی درباره چگونگی شناخت هر چه وجود آن پذیرفته است گفته می‌شود (صادقی فسایی و ناصری، ۱۳۹۰: ۸۱). به عبارت دیگر معرفت‌شناسی مبنایی فلسفی برای مشخص کردن معرفت‌های ممکن و معیارهایی برای ارزیابی دانش در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد (crotty, 1998: 8). در واقع در حالی که هستی‌شناسی به مولفه‌های ماهوی دفاع نظری دارد، معرفت‌شناسی نمود عینی آن ماهیت را در عالم خارجی تبیین می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۲).

انسان‌شناسی: انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین دانش‌های زیربنایی در علوم انسانی است. شناخت دقیق و جامع چیهستی و هویت انسان‌شناسی درآمد ورود به مباحث آن است. بی‌تردید تعریفی که هر فلسفه سیاسی از انسان به دست می‌دهد، تأثیری مبنایی بر کل آن فلسفه دارد. تلقی فیلسوفی از انسان چونان موجودی بدطینت با سرشتی شرور نوعی فلسفه سیاسی به دست می‌دهد و فیلسوفی که انسان را موجودی پاک سرشت و نیک‌خو می‌داند، فلسفه سیاسی متفاوتی نتیجه می‌گیرد. همین‌طور است درک جبرگرایانه و یا مختار از انسان.

در بحث هستی‌شناختی بیان شد که نوع نگاه به هستی انسان شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نوع شناخت و بینش نسبت به انسان منجر به شکل‌گیری اندیشه‌های مختلف می‌شود. اگر هستی فقط از نظر مادی نگاه شود و به بعد معنوی توجه نشود، منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای می‌شود که در آن انسان‌ها از هم بیگانه و متمایز هستند و از معنویت و اخلاق فاصله گرفته‌اند.



۱. الگوی مفهومی تفکر سیاسی مقام معظم رهبری (نگارندگان)

۴) مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی در اندیشه مقام معظم رهبری

در تفکر سیاسی اندیشمندان تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد که ریشه آن در بنیان‌های فکری مختلف است. به طوری که اندیشمندان معتقد به خدا، همه عالم را مخلوق و جلوه‌های از او می‌دانند اما اندیشمندان ماتریالیست که اعتقادی به هیچ مبدأ و معادی ندارد نگاه دیگری به هستی دارد. همین تمایز باعث می‌شود در تلقی از سیاست و اندیشه سیاسی تفاوت اساسی به وجود آید (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۸۹) از این رو اجمالاً در این پژوهش براساس هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی بدنیال فهم رویکرد و مبانی نظری جامعه اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری هستیم.

۴-۱) هستی شناسی

مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل، از وحدتی جامع یعنی وحدت در جهت، وحدت در حرکت و وحدت در هدف برخوردار می‌سازد (بیانات، ۱۳۶۹/۰۹/۲۵). براساس همین مبنا در جامعه توحیدی، که مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است. انسان‌ها - چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون‌های مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یک دیگر خویشاوندند؛ چون به یک جا متصل‌اند و از یک جا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه قهری اعتقاد به توحید است. در این دیدگاه نه فقط انسان‌ها به یک دیگر مرتبطند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز به یکدیگر متصل و مرتبطند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه آن چه که انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد (بیانات، ۱۳۶۹/۰۹/۲۵).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بینش توحیدی باید زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح‌ها، برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی‌ساز در اسلام باشد. ایشان نگرش توحیدی را دارای نقش سازنده در زندگی انسان‌ها می‌دانند (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۹۳). در واقع توحید نوعی طرز فکر است که در بنای جامعه و اداره آن نقش اساسی دارد: توحید هم جزو جهان‌بینی اسلام هم جزء ایدئولوژی سازنده زندگی ساز اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

۴-۲) معرفت شناسی

آیت‌الله خامنه‌ای در مقام یک عالم شیعی مبرز که میراث بر اندیشه‌های ناب معصومین(ع) است به صورت طبیعی و واضح با انحصار تمدن در گروهی خاص مخالف است. ایشان اسلام را دینی جهانی می‌دانند و به همین واسطه تمدن نوین اسلامی را نیز تمدنی جهان شمول و آفاقی به حساب می‌آورند. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طرّاحی کند، شالوده ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (بیانات، ۱۳۹۴). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تفکرات غربی‌ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی معرفی می‌کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. ایشان معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی به حقایق پی برد (بیانات، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰).

۴-۳) انسان شناسی

آیت‌الله خامنه‌ای انسان را موجودی می‌داند که هم استعداد رشد و تعالی و هم استعداد تنزل و سقوط در وجود او، صورتی بالقوه دارد؛ هر انسانی در درون خود یک نفس سرکش دارد که در صورت مراقبت، انسان را به هلاکت نخواهد انداخت و نفس انسانی، مایه پیشرفت او خواهد شد. اگر این غرائز درست کنترل شوند، در راه صحیح به کار گرفته شوند، انسان را به اوج کمال خواهند رساند و این، دلیلی بر فلسفه آفرینش وجود انسان است. «فلسفه آفرینش انسان این است که آن استعدادهاى برجسته مثبت و ممتاز از لحاظ ارزش‌های الهی، با اختیار خود انسان و با مجاهدت انسانی، غلبه پیدا کند بر آن خصلت‌های حیوانیت و سببیت که اگر این غلبه پیدا شد آنوقت همان استعدادهای حیوانی هم جهت‌گیری درستی پیدا می‌کنند» (بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

بر این اساس، مهمترین وظیفه انسان و نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. انسان رهروی است که در مسیری از خودپرستی تا خداپرستی در حرکت است. اگر درست حرکت کند، به ساحت هدایت الهی وارد شده و از ظلمت به سوی نور حرکت می‌کند. ایمان قلبی، موتور حرکت در این راه است. آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به آیه یک سوره نساء معتقدند که این آیه، به معنای یکسانی و برابری انسان‌ها در امکان تعالی و تکامل است؛ گوهر و سرشت انسانی در همه یکسان بوده و این مایه‌ای دست پرورده حکمت است. بنابراین، هیچکس نیست که در ذات و سرشت از پیمودن صراط مستقیم تعالی و تکامل ناتوان باشد. اسلام نسبت به زن و مرد و همه خلایق، یک دید واقع بینانه مبتنی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ کس بیش از تمکنش و بیش از آنکه به آن داده شده است توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر همین است یک بنای واقعی و منطقی (بیانات، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

رابطه معناداری میان بنیادهای انسان شناختی با اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد. آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای برای انسان قائل است و ابعاد چندگانه‌ای برای انسان در نظر می‌گیرد: انسان محدود در جسم نیست؛ محدود در زندگی چندروزه دنیا نیست؛ محدود در معنویات هم فقط نیست؛ محدود در یک قطعه شخصی از تاریخ هم نیست؛ انسان همیشه در همه حال انسان است و ابعاد وجودی انسان، ابعاد لایتناهی است و ناشناخته است (بیانات، ۱۳۷۷/۰۸/۲۶). ایشان در قوام شخصیت انسانی علاوه بر تاثیر عوامل و عناصر خارجی و ظاهری برای مقومات دیگری مانند افکار و جهان‌بینی در تشکیل شخصیت او منشأ اثر فراوان قائل هستند (بیانات، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸). براساس این دیدگاه، اسلام درصدد ساختن یک انسان کامل می‌باشد و از اینرو، شناخت انسان کامل یا نمونه اسلامی برای آحاد مسلمان به منظور الگوپذیری و تاسی پذیری واجب است (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۳ ص ۲۵).

۵) منظومه فکری مقام معظم رهبری

با توجه به تراکم تاریخی فقها و اندیشمندان شیعه، عرصه عمل و نظر پیوند خورد و تئوری پردازان حکومت اسلامی تأسیس کنندگان جمهوری اسلامی شدند. می‌توان گفت که مزیت رقابتی متفکران انقلاب اسلامی در کامیابی و تأسیس جمهوری اسلامی دارا بودند پشتوانه‌های فکری عمیق و درعین حال بومی و متألم با فرهنگ و تاریخ و تمدن جامعه ایرانی بود که در میدان رقابت با

سایر نحله های فکری توفیق یافت. مقام معظم رهبری میراث دار این نسل از متفکران اصیل شیعی است که با نگاهی دقیق به ادوار رهبری مقام معظم رهبری در سی سال گذشته، سپهر معنایی مقام معظم رهبری قابل کشف است چرا که او متفکری است که عرصه نظر ورزی را به عرصه عمل پیوند داده و تمام کنش ها و تصمیمات او برآیند نظام معنایی اوست. برخی ویژگی های نظام تفکر ایشان را می توان اینگونه بیان کرد:

۵-التزام عقیدتی

رهبر آرمان خواه دینی پایبند به آموزه های ایمانی و به دلیل عینیت بخشیدن به اعتقادی است و اساساً شریعت الهی وارد عرصه سیاست می شود. از این رو، او علی الدوام بین تعالیم دینی و عینیت سیاست، در رفت و آمد است. او می کوشد به درکی از واقعیت برسد تا کار برای عینیت بخشی تعالیم دینی سهل و آسان گردد. و البته این تلاش همیشه سهل نیست بلکه در خیلی موارد کار برای رهبر آرمان خواه پیچیده می شود و در نتیجه بیش از پیش از منظومه معرفتی خود استفاده می کند. همین امر در بسط و پویایی منظومه معرفتی او تأثیرگذار است. چنان که می دانیم مقام معظم رهبری همواره برالتزام عقیدتی و تأکید بر عینیت بخشیدن شریعت اسلامی تأکید دارند. آنچه که ایشان را در پرداختن به سیاست مصمم ساخته است، همین غایت است (خسروپناه و پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۶۱).

۵-۲ حکمرانی دانشی

حاکم مصلحت اندیش، مهارت حکمرانی خود را از راه هوش و تجربه حکومتی به دست می آورد. در نتیجه برای او برخورداری از منظومه معرفتی چندان ضرورت پیدا نمی کند. لیکن رهبری آرمان خواه می کوشد در امر حکمرانی به گونه دانشی عمل کند؛ یعنی با کمک منظومه معرفتی تلاش می کند دانشی پدید که به کمک آن بتواند سیاست را به گونه ای غیرشخصی اداره کند. چنان که حکمرانی مقام معظم رهبری مبتنی بر دانش بیکران فقه اسلامی است. دانش فقه به دلیل پرداختن به موضوعات و مسائل مختلف فردی و اجتماعی، این امکان را به ولی فقیه می دهد که به گونه ای روشمند به مسائل حکومت بپردازد. مهمترین بخش دانش فقه، روش اجتهاد و استنباط فقهی است. این روش، ولی فقیه را در تحلیل مسائل حکومت، بسیار توانمند می سازد. مهمتر این که فقه اسلامی در کارآمدتر کردن مدیریت فقهی، گرایش فقه سیاسی را پدید آورده است (معینی پور، ۱۳۹۶: ۱۰).

۵-۲) تفکر شبکه ای و نظام مند

شبکه پیچیده مسائلی که مقام معظم رهبری در طول بیست و هشت سال رهبری با آنها مواجه بوده است اقتضاء می کند که نظام تفکری که پشتوانه این تصمیمات است از نظام و پیچیدگی خاصی برخوردار باشد در غیر این صورت در طول قریب سه دهه توفیق نمی یافت. سه دهه پر تلاطم که آماج تهدیدات و آسیب های درونی و بیرونی بوده ایم. پیوند همزمان بین و نظام مند بین حوزه های اقتصاد، فرهنگ و سیاست و عرصه سبک زندگی و علم و درعین حال توجه به امنیت ملی و مدیریت جهان اسلام می تواند شواهد خوبی برای این تفکر شبکه ای و نظام مند باشد (خسروپناه و پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۶۲).

۵-۳) تفکر مسأله مدار

یکی از مهمترین چالش های تفکر در زمانه ما در جامعه ایرانی نداشتن مسأله های بومی و تفکر فارغ از مسأله انضمامی اجتماعی در ابعاد سیاست و اقتصاد و فرهنگ است. آیت الله خامنه ای متفکری است که در عین شناخت ابعاد نظری تفکر و تسلط بر حوزه های حکمت نظری همواره تلاش کرده است که خروجی تفکراتش ناظر به حوزه عینی و انضمامی عرصه عمل و حل مسائل بومی اجتماعی باشد. امری مهم که متأسفانه در اکثر موارد مقررین آراء و انظار ایشان به این پیوستگی بین نظر و عمل توجه ندارند و برخورد سطحی با آراء ایشان می کنند که آسیب شناسی نوع مواجهه بسیاری از افراد صاحب نظر در برخی از حوزه های حکمت نظری با انظار و آراء ایشان خود حدیث مفصلی است که در این مجال نمی گنجد (معینی پور، ۱۳۹۶: ۱۲).

۵-۴) بینش تمدنی

مطالعه دوره اوج و شکوفایی تمدن اسلامی در قرون هفت و هشت نشان از آن دارد که متفکران آن زمانه دارای بینشی تمدنی در ابعاد مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی بودند و هیچ امری را فارغ از تحلیل تمدنی در نظر نمی گرفتند؛ چالش مهمی که امروز

با آن مواجهیم و کمتر کسی به آن توجه دارد اینکه انقلاب اسلامی برآمده از یک بینش تمدنی حداقل به اندازه هزار و اندی سال بوده است و جمهوری اسلامی نظام برآمده از این پیشین است و قرار است جامعه جهانی را ذیل مبنای تمدنی خود در نیل به سوی سعادت دنیوی و اخروی همراه کند. عدم وجود بینش تمدنی نظام تمدنی در نظام معنایی متفکر است که ممکن است او را منتقد تمدن غرب بسازد اما ایجاباً در علم و عمل پیرو نظام تمدنی غرب باشد؛ یکی از اقتضات جدی بدیل را جایگزین نکند و اعمال بینش تمدنی عدم توقف در مرزهای ایران در تفکر و سیاستگذاری است و اقوام و ملل مختلف ذیل نظام تمدن اسلامی را در بر می‌گیرد. توجه جدی مقام معظم رهبری در نظام تعایش با اهل سنت در پیشبرد اهداف تمدن اسلامی و حساسیت‌های ویژه ایشان در بحث بیداری اسلامی و پیگیری‌ها و مطالبات متعدد در این حوزه یکی از نشانه‌های بینش تمدنی ایشان است که متأسفانه در معدودی از متفکران مسلمان در این سطح یافت می‌شود (خسروپناه و پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۶۲).

۶) سرشت، شاخصه‌ها و ابعاد جامعه اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری

جوهر اصلی جامعه اسلامی عبارت است از تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت. آن چیزی که موجب می‌شود که ملائکه به آحاد بشر بگویند «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» ما هم در دنیا با شما هم پیوند و دوستیم و هم در آخرت و خیلی این مهم است: «ایمان، تعبد و عمل صالح در آحاد مردم، منتهی مسئولان به طور مضاعف به این خطاب مخاطبند. هرچه مسئولیت سنگین تر است، این خطاب هم نسبت به او شدیدتر و سخت‌گیرتر و سنگین‌تر است» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۳/۶). در اندیشه سیاسی ایشان بر اساس مبانی ارزشی و بینشی، ابتدا جامعه به دو بخش جامعه اسلامی (توحیدی، معنوی، آرمانی) و جامعه جاهلی تقسیم شده است. و معتقدند یکی از رسالت‌های عمومی انبیا ساختن جامعه توحیدی بوده است: "پیامبران آمده‌اند تا دنیا را به شکل نوینی بسازند تا نابسامانی‌ها را ریشه کن کنند، تا رستاخیزی در محیط جاهلی زمان پدید آورند... جامعه‌ای بسازند بر اساس توحید و عدل اجتماعی و تکریم انسان و تأمین آزادی و برای حقوقی و قانونی میان همه گروه‌ها و افراد و نفی استثمار و استبداد و احتکار یعنی تحمل و تحمیق و میدان دادن به استعداد‌های انسان و تشویق به اندیشمندی و دانش آموزی و خلاصه جامعه‌ای که مهد پرورش و تعالی انسان از همه سو و با همه ابعاد اصلیش باشد و او را در مسیر تکامل تاریخش از نقطه تحول و نقطه عطفی بس مهم بگذرانند. این است وظیفه‌ای که پیامبران خدا برای قیام به آن برانگیخته شده‌اند. در ادامه به برخی از ممتزین شاخص‌ها و ابعاد جامعه اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری اشاره خواهیم کرد:

۶-۱) عدالت‌گستری

همواره موضوع عدالت اجتماعی به مثابه؛ انصاف بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها به عنوان یکی از اهداف دعوت پیامبران الهی مطرح بوده است (بیات، ۱۳۹۰: ۶۶). در آموزه‌های اسلامی و پیشوایان دینی، عدالت اهمیت به سزایی در دوام و پایایی و رشد و پویایی جامعه دارد و جامعه متمدن اسلامی آن است که در اجرای عدالت و تأمین حقوق همه مردم براساس شایستگی‌های آنان می‌کوشد. بر این اساس بهره‌مندی از نظام به پادارنده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته‌های جامعه اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می‌رود و نادیده انگاشتن آن مخالفت با نظام طبیعی هستی است. رهبری انقلاب با اشاره به موضوع عدالت‌گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه‌های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده‌اند: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده‌است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (خامنه ای، ۱۳۹۱). لذا شاخصه عدالت، از مهمترین خصوصیات جامعه اسلامی است.

۶-۲) پرهیز از سطحی‌نگری

رهبری انقلاب تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را بعنوان عوامل سکولاریسم پنهان نام برده و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از دیگر الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمردند و می‌فرمایند: «گاهی اوقات در ظاهر،

تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم» (لاریجانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

۳-۶) اخلاق عمومی و رفتار اجتماعی

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: « اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان می‌تواند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند» (معینی پور، لک زایی؛ ۱۳۹۱: ۵۸). در این عبارت اخلاق که مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را برعهده دارد، عبارت است از هوای لطیف؛ یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا؛ نه به آب و نه به غذا. انسان ممکن است بدون آب و غذا چند روزی دوام آورد، اما بدون هوا چند دقیقه هم نمی‌تواند سر کند. بنابراین، اخلاق در زندگی آدمی و به عنوان یکی از پایه‌های جامعه اسلامی، نه فقط نقش کلیدی و مهم، که نقش حیاتی دارد. اخلاق اگر نبود، بی اخلاقی حاکم شد؛ حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیا طلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوظن‌ها به یکدیگر وارد شد- وقتی این رذایل اخلاقی به میان آمد-، زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدر تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد (معینی پور، لک زایی؛ ۱۳۹۱: ۶۰). مقام معظم رهبری با اشاره به پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف از جمله زمینه‌های علمی، نظامی، صنعتی و... بخش اصلی و نرم افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی نموده و فرموده‌اند: «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخشها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد» (بیانات، ۱۳۹۱/۰۶/۶). ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانونگرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می‌توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

۴-۶) اخلاق مداری

جامعه اسلامی اساس تصمیمات جامعه دینی را بر پایه نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی، تقویت اصول و هنجارهای جهانشمول و ارتقای جایگاه اخلاق و معنویت‌گرایی قرار می‌دهد و برای برقراری نظام جهانی نیز خواستار تکامل روحی و معنوی با تکیه بر دستاوردهای اخلاقی نظام اعتقادی اسلام است. پرهیز از بی‌حرمتی به معتقدات پیروان دیگر ادیان الهی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق گفتگوی منطقی و اخلاقی با تکیه بر روح برادری و حقیقت جویی، اجتناب از هرگونه هیاهو و ایجاد رعب و وحشت، احترام به حقوق و کرامت بشری، اهتمام به همکاری و همیاری و رواداری و تقوای پیشگی و توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش می‌تواند آینده‌ای امیدبخش را براساس شیوه‌های اخلاقی نوید بخشد. به علاوه، تبیین جهانشمولی ارزشهای معنوی اسلام میتواند فرصتی جدید برای ارائه چشم‌اندازی اخلاقی به جامعه جهانی از سوی تمدن نوین اسلامی به شمار آید. البته اخلاق مداری علاوه بر احترام به کرامت انسانی، توجه به سرشت معنوی بشر، کمال جویی و آرمان طلبی بر لحظه شناسی و موقعیت سنجی نیز استوار است، بدین معنا که در موضع گیری‌ها و رفتارهای اخلاق‌مدار، صلاح و مصلحت جامعه اسلامی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. می‌توان اذعان داشت که تمدن نوین اسلامی بر نقش‌آفرینی نوعی اخلاق جهانی و فراگیر استوار است که زبان مشترک ادیان الهی به شمار می‌آید و این رویکرد می‌تواند عامل وحدت بخش همه انسان‌ها به ویژه دینداران باشد. اخلاق از آنجا که سلامت زندگی فردی و استقرار و دوام زندگی اجتماعی بشر را سامان می‌دهد، اجماعی بنیانی را بر پایه ارزش‌های الزام آور تحقق می‌بخشد، زیرا که بر فرازمانی و فرامکانی بودن آموزه‌ها و ایده‌های جهانی و ارزش‌های اخلاقی اسلام استوار است. به عبارت دیگر، اسلام با ارائه الگوهای کامل تربیتی و جامعه نگری در باره ابعاد و شئون انسان، منظومه ای اخلاقی را عرضه می‌دارد که پاسخگوی شئون حیات بشری و حل معضلات معنوی آن است (خسروشاهی، ۱۳۵۱: ۴۵).

۵-۶) برخورداری از اقتصاد پویا

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه مسلمانان همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مؤلفه با مشکل روبه رو شود، تأثیر فراوانی بر سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. همانطور که می‌دانیم، تقریباً تمامی کشورهای مسلمان از عدم توسعه پایدار رنج می‌برند، گرچه طی سال‌های اخیر توانسته‌اند به جلو حرکت کنند، اما اقتصاد این کشورها همچنان دچار مشکلات عدیده است که مستلزم دگرگونی در اقتصاد رانتهی و مسائل مرتبط با آن است (رضایی، ۱۳۸۸: ۹۳). استقلال اقتصادی همانند استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عناصر محوری تمدن است.

۶-۶) برقراری عدالت اجتماعی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است. گویا تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هویت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند، (۱۳۸۵/۰۸/۲۰). اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی توجه کرده است.

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۶-۷) در مسیر امام و آرمان‌های انقلاب

فرض مسلم این است که شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. در واقع اندیشه امام (ره) از معیارهای اصلی تشخیص و ارزیابی درستی مسیر حرکت انقلاب اسلامی است. این اندیشه شگرف یعنی شناخت اندیشه امام و به موازات آن آرمان‌های انقلاب اسلامی متأسفانه در مقاطعی چند مظلوم واقع می‌شد و برخی از مسئولین یا افراد مرتبط با آن‌ها طوری رفتار می‌کردند که گویی از گفتمان انقلاب در مقابل دیگران شرمندانه‌اند و خجالت می‌کشند. بنابراین یکی از شاخص‌های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... امام راحل (ره) و همچنین آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی می‌باشد. در این رابطه رهبر انقلاب می‌فرماید: «شعار و گفتمان دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمان‌های انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچ کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دلبسته به انقلاب، این را قدر می‌داند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند» (بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۲).

۶-۸) هویت و استقلال ملی

حفظ عزت، هویت و استقلال ملی که برای آن خون‌های بسیاری ریخته شده است یکی دیگر از شاخصه‌های بسیار مهمی است که یک دولت اسلامی باید آن را داشته باشد. چرا که از نظر رهبر انقلاب یکی از ابزارهای عمده بازیگران سیاسی در عرصه بین‌المللی، مکر و تهدید برای از بین بردن هویت و عزت و استقلال ملی است (بیانات، ۱۳۸۵/۰۱/۱).

۶-۹) مسؤلیت‌پذیری

مسؤلیت‌پذیری یکی دیگر از شاخصه‌های جامعه اسلامی مطلوب از نظر رهبر فرزانه انقلاب می‌باشد. در این مورد نیز معظم له بیان می‌دارند: «مسؤلیت‌پذیری در هر بخشی که ما هستیم، مسؤلیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، این را بپذیریم. زیرمجموعه، زیرمجموعه ماست، احساس مسؤلیت کنیم. در هر نقطه‌ای مسؤلیت تعریف‌شده‌ای وجود دارد، آن مسؤلیت را بایستی پذیرفت» (بیانات، ۱۳۸۵/۰۶/۶).

۶-۱۰) سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی

از شاخص‌های برجسته جامعه مطلوب اسلامی این اعتقادات و نگاه صحیح به حقایق جامعه، منجر به سلامت عملکرد دولت خواهد شد. در این زمینه رهبر معظم انقلاب معتقدند که: «اصول و ارزشهای انقلاب در سخنان و مواضع امام، متجلی است و اگر عملاً پایبند و دلبسته آن‌ها باشیم و در مواقع ابهام نیز به آن‌ها رجوع کنیم، به فضل الهی، کارها «خوش‌آینده» خواهد بود و به پیش خواهیم رفت». رهبر معظم انقلاب، اطمینان و اعتماد کامل به وعده‌های یاری خداوند را کاملاً ضروری برشمردند و افزودند: «در تجربیاتی مانند پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و غلبه بر شورش‌های متعدد قومی در اوایل انقلاب، ملت و مسؤولان کشور، تحقق وعده‌های پروردگار را کاملاً لمس کردند که این تجربه‌های ارزشمند، زمینه‌ساز اعتماد کامل‌تر به وعده‌های نصرت و یاری خداوند است.



نمودار ۲. شاخص‌ها و ابعاد جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

۷) نتیجه گیری

هدف اصلی نوشتار حاضر پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که مبانی و ابعاد جامعه اسلامی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ به طور کلی بر پایه یافته‌های پژوهش می‌توان گفت؛ از منظر مبانی اندیشگی و فکری، هستی‌شناسی مقام معظم رهبری توحیدی، معرفت‌شناسی ایشان الهی و رویکرد انسان‌شناسی معظم له واجد دو بعد مادی و معنوی است. در فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری جامعه سازی بر پایه خمیر مایه دینی ابتدا توسط انبیای الهی شکل گرفته است و آرمان اجتماعی بشریت اولین بار در آموزه‌های انبیا(ع) تحقق یافته است.

ایشان با اشاره به نقش انبیا در جامعه سازی معتقدند؛ جامعه الهی، جامعه‌ای است با دل انسانی، جامعه‌ای با احساسات و عواطف صحیح و سالم، جامعه‌ای که در آن کسی به کسی و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند... جامعه‌ای که مردم آن جامعه دچار غفلت نباشند، غرق در مادیت نباشند، غرق در خودخواهی و خودپرستی نباشند. کار برای خدا، کار برای رسیدن به آستان لقای ربوبیت.

این انسان کامل است. این جامعه‌ای کامل است. بنابراین ساخت اجتماعی جامعه اسلامی بر اساس اعتقاد به خدا و بر پایه توحید شکل گرفته است و بر اساس دین تدبیر می‌شود و ماهیت آن به گونه‌ای است که بر طبق تعالیم و توصیه‌های پیغمبران خدا، مردم دارای اندیشه و فکر شده‌اند، قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان دشمن را می‌شناسند، دشمن را دفع می‌کنند، در آن از تبعیض و ظلم و نابرابرها هیچ نشانه‌ای نباشد در آن از فقر و محرومیت خبری نباشد. جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلامی برای بشر ترسیم کرد است، تحقق پیدا کند. جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره و پیشرفت کشور دارای نقش و تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم.

روی هم رفته با بررسی مبانی و شاخصه‌های کلی جامعه آرمانی در دستگاه اندیشگی مقام معظم رهبری، می‌توان گفت جامعه آرمانی اسلامی بر پایه توحید بنا شده است، امامت محور، هدایت محور و عدالت محور است، از پویایی و تحول برخوردار و بر اساس آزادی فکر و اندیشه بنا شده است، جامعه‌ای فرهنگی، معنویت محور، اخلاق محور و جهادگر است و مبارزه در آن به رسمیت شناخته شده است، شهروندان در جامعه آرمانی نقش والایی دارند، در جامعه آرمانی حرمت و کرامت انسانی به رسمیت شناخته شده است، تکامل‌گرا است، در جامعه آرمانی اقتصاد ابزار تلقی می‌شود نه هدف، جامعه آرمانی بر پایه تخصص اداره می‌شود، جامعه آرمانی قانون‌گرا است، در جامعه آرمانی رفتارها عالمانه و حساب شده است، در جامعه آرمانی تناقض نیست، و در نهایت این که جامعه آرمانی برخوردار از عزت و قدرت و اقتدار است.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲) مفهوم سیاست در مکتب رضوی، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال اول، شماره سوم
- بیات، عبدالرسول (۱۳۹۰) فرهنگ واژه، تهران: اندیشه و فرهنگ دینی
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۶/۲) بیانات در دیدار هیئت دولت بمناسبت هفته دولت:، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۶/۰۵) بیانات در دیدار هیئت دولت بمناسبت هفته دولت:، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۶/۰۶) بیانات در دیدار هیئت دولت بمناسبت هفته دولت:، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۰۷/۲۰) بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۹/۱۰/۱۶) بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۶/۰۶) بیانات در دیدار هیأت دولت، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- _____ بیانات در دیدار هیأت دولت، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۲/۱۱/۱۲) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱) بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. تهران: بی تا

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۴) بیانات در دیدار با دانشجویان استان کرمانشاه، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۲/۶/۲۱) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۱/۰۱/۱۵) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع).

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۴/۱۵) بیانات در دیدار مسئولین نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

خامنه‌ای؛ سیدعلی (۱۳۹۱) بیانات در اجتماع مردم اسفراین. اسفراین: بی تا.

خسروشاهی، هادی (۱۳۵۱) اسلام، دین آینده جهان، قم: انتشارات نسل جوان.

خسروپناه، عبدالحسین و پژوهشگران (۱۳۹۶) منظومه فکری مقام معظم رهبری، انتشارات قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

شمس، منصور (۱۳۸۷) آشنایی با معرفت‌شناسی، نشر طرح نو، ویرایش دوم: بهار

صادقی فسائی، سهیلا؛ ناصری راد، محسن (۱۳۹۰) عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲۱

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۹۰) تمدن نوین براساس عقلانیت اسلامی، نشریه مجلس و پژوهش، ص ۲۳-۱۱

معینی پور مسعود، لک زایی، رضا (۱۳۹۱) ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، ص ۷۶-۵۱

قاسمی، زهرا و بهزادی، محمد حسین (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه رهبری و اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مردم‌سالاری دینی، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی، اردبیل، موسسه پیشگامان فرهیختگان فرهنگ و اندیشه ولیعصر، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، https://www.civilica.com/Paper-VALIASR_01_245.html

کرایپ، یان و بنتون، تد (۱۳۸۹) فلسفه علوم اجتماعی (بنیادهای فلسفی علوم اجتماعی)، مترجم: شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، تهران، نشر آگه، چاپ سوم.

معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۶) تفکر رهبری در غربت، روزنامه صبح نو، شماره ۳۲۷: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۹) جامعه آرمانی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، ماهنامه آموزشی، اطلاع رسانی معارف شماره ۶۳

مارش، دیوید؛ فوالنگ پاول (۱۳۷۸) پوست نه پوستین: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در علوم سیاسی، مترجم: سیدعلی میر موسوی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۹۹، شماره ۵

نادری، مهدی و محمدی، خدیجه (۱۳۹۷) «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲ بهار ۱۳۹۷

نعیمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۹) بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

های، کالین (۱۳۸۵) درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نی.

منابع لاتین

Crotty, M (1998), the Foundation of Social Research. London: Sage Publication.

Blaikie, N. (1993), Approaches to Social Enquiry. Cambridge: Polity press

Walliman, Nicholas. S.R (2006), Social Research Methods, London: Sage.

